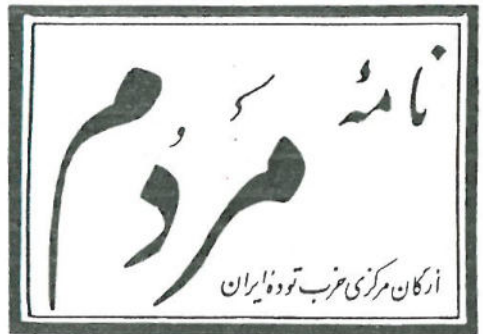


وزیر امور خارجه اتحاد شوروی:

قطعنامه ۵۹۸ باید اجرا شود

اینکه روند رویدادها پیش بینی های ما را تایید میکند، بهیچ روی شادمان نیستیم. هر اندازه حضور نظامی کشورهایی، که در منطقه واقع نیستند بیشتر باشد، بهمان اندازه نیز احتمال درگیریهای باز هم بیشتر افزایش خواهد یافت. این چیز نیست، که مایه نگرانی ماست و عزم ما را راسخ می سازد، تا با واقع بینی و اعتدال عمل کنیم و بار دیگر بگونه ای جدی خطر حضور نظامی

ادوارد شوارز نادزه، وزیر خارجه اتحاد شوروی، در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، سخنرانی مهمی ایراد کرد و در آن، از جمله، به جنگ ایران و عراق پرداخت: شوارز نادزه گفت: وضع خلیج فارس وخیم و خطرناک شده است و امکان آن است، که نتوان بر آن مهار زد. ما از



شماره ۱۷۴ دوره هشتم - سال چهارم
سه شنبه ۱۳۶۶/۷/۷ بهاء ۲۰ ریال

خجسته باد چهل و ششمین سالگرد زادروز حزب



سوءاستفاده از این یا آن جمله و " سند " و خاموش گذشتن از کنار شرایط مشخص سیاسی - اجتماعی و بدون تعمق در ماهیت مسائل و نگاه با گردآوردن جمع اعداد، مسخ و " ثابت " کنند که گویا حزب توده ایران از نخستین روز بنیانگذاری یک حزب " خرده بورژوا و ایورتونیست " بوده است، حزب از انقلاب اجتماعی، پسرکردگی طبقه کارگر، هراس دارد و خود خواسته و دودستی " رهبری جنبش را به نیروهای غیر پرولتری واگذار می کند، " حزب " رفرمیست است و سازشکاری " در خون توده ای هاست، " انترناسیونالیسم حزب توده، از نوع خاصی است، " حزب توده ابزار پیشبرد منافع بازرگانی شوروی در ایران است ... " حال آنکه، چهل و شش سال فعالیت پربار سیاسی در جامعه و در بین طبقه

و اجتماعی حزب توده ایران، بعنوان باز گشاینده هدف کمر حقیقت، از آغاز تا امروز عبارتست از تبلیغ و ترویج اندیشه های والای مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و دفاع جانانه و جانپنازانه از آنها، مبارزه بیکر و آشتی ناپذیر بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و سازماندهی نبرد علیه فاشیسم، امپریالیسم کارزارهای بی پایان افترای واتهام از " جنبش " و راست، ابغای نقش موثر در بیدار کردن زحمتکشان و آشنا ساختن آنها با حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود، آموزش و پرورش و سازماندهی پیشاهنگ طبقه کارگر، این همه، تنها و تنها عمل یک حزب انقلابی طبقه کارگر است و نه جز آن، پیبوده نیست، که دشمنان طبقاتی و مخالفان رنگارنگ حزب توده ای ما بگونه ای تب آلود تلاش می ورزند، تا ماهیت و رسالت آنرا با

در آستانه چهل و ششمین زادروز حزبمان، حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، هستیم. بمناسبت خجسته زادروز فرزند رزم و رنج خلق های ایران، باید با دامنی از بهار و شکوفه، با لب هائی پر از درود و سروده، و با نثار گل های سرخ شادپاش به پای حزب سبید موی خود، برای حضور در میدان نبردهای پیرشکوه و سماکین سرنوشت ساز سال های آینده، پیمان ها را تجدید کرد. حزب توده ایران، به مثابه پیگیرنده راه پر افتخار سوسیال - دموکراسی و حزب کمونیست ایران، از همنان آغاز بنیانگذاری، خواه از نظر ترکیب طبقاتی و خواه از نظر سمت یابی سیاسی و اجتماعی، یک حزب انقلابی طبقه کارگر بود. ملاک تمیز ماهیت یک حزب، عمل سیاسی و اجتماعی آنست. خطوط عمده عمل سیاسی

خبر هفته قبل و در تکمیل آن به ما رسید. این خبر واقعیت امیدوار کننده ای را بازگو می کند، که از جهات گوناگون قابل بررسی و درس گرفتن است.

ضرورت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی واپستگان اسیران دربند با اندیشه ها و تعلقات سازمانی گوناگون - را گرد هم آورده و بصورت جمعی واحد، با یک هدف مشترک، به تظاهرات واداشته است. آنان همه در برابر رژیم

در صفحات بعد
از انتشارات هسته های حزبی در ایران ۵ ص
گلی سرخ و بی مرگ بر شاخسار جوانی ۲ ص

تجربه ای سودمند

" روز ۲۸ شهریور، گروهی (حدود ۲۰۰ تن) از اعضای خانواده های زندانیان سیاسی، از همه سازمانها و گروه های انقلابی و دموکراتیک، جلوی نمایندگی سازمان ملل در تهران دست به تظاهرات زدند. پاسداران به آنان یورش بردند و پس از ضرب و شتم زیاد عده زیادی را دستگیر کردند. پس از چهار روز تزییق و آزار، چون مدرکی علیه دستگیر شدگان وجود نداشت، مجبور شدند همه را آزاد کنند. آنان بخصوص می خواسته اند بدانند چه کسی یا کسانی خانواده های زندانیان سیاسی را برای تظاهرات جمعی هنگام ورود دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران سازمان داده اند. اما علیرغم همه فشارها چیزی دستگیرشان نشده است." آنچه که خواندید، متن خپری بود که متعاقب

کلاف سردرگم قانون کار

این روزها، تب اظهار نظر درباره قانون کار از نو بالا گرفته است. هشتم شهریور ماه حسین کمالی رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد که لایحه کار در ۲۰۰ ماده از تصویب کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی گذشت و ظرف دو هفته آینده برای شور دوم در جلسه علنی مجلس مورد بحث قرار خواهد گرفت. این مهلت دو هفته ای سر آمد، شهریور تمام شد و "لایحه کار" در دستور کار مجلس قرار نگرفت. تازه اگر هم مجلس لایحه را مطرح و تصویب می کرد هنوز تا عبور آن از " صافی " شورای نگهبان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکی فرصت زیادی باقی می بود. تجربه نشان

کلاف سردرگم

داده است که اینگونه پیش نویس های پراز کمبود هم ، حتی پس از تصویب در مجلس ، می تواند به تشخیص "فقه های" شورای نگهبان خود سرانه تغییر کند ، یا به پوته فراموشی سپرده شود. بخصوص که در این روزها ، دست اندر کاران "فقه اسلامی" نواهای دیگری را ساز کرده اند و اصولا مصلحت بودن تدوین "عجولانه" قانون کار را مورد شک و تردید قرار داده اند. مثلا آیت الله منتظری گفته است: "تا ایجاد شرایطی که واقعا فقه های اسلامی فارغ الهال و با دقت و در یک حرکت تخصصی اقدام به تدوین این قانون کنند، بهتر است ما به اصلاح قانون گذشته و حذف سمت های آن که با شرع اسلام میانیت دارد بسنده کنیم".

در عین حال علیرضا محبوب ، مشاور ویژه نخست وزیر در امور کارگری و دبیر کل خانه کارگر هم نظر ناموفقی نسبت به این لایحه دارد و معتقد است که در قانون کار اسلامی نباید صحبت از روابط موجود بین دولت ، کارگاهها و کارفرمایان در میان باشد! پگفته او ، "در قانون کار اسلامی سخن از روابط انسانهاست و تلاش در اعتلای شخصیت نیروی تولید... تدوین یک چنین ارتباطی طبیعتا کار بسیار دشواری بنظر می رسد... لذا شاید اگر باز هم تدوین و تصویب قانون کار به قیمت بالا رفتن کیفیت آن به تاخیر افتد کاری مورد و عیبی نباشد!"

نزدیک به نه سال از انقلاب بهمن می گذرد . اما "فقه های اسلام" و درراس آنان "ولی فقیه" علیرغم بلبل زبانی در باره "پابرهنه ها" و "کوخ نشینان" و روده درازبهای ملال انگیز بیرامون نسخه های حاضر و آماده "فقه اسلامی" برای حل تمام معضلات اجتماعی و اقتصادی همه جوامع انسانی و در همه زمانها ، هنوز حتی یک گام کوچک هم به سود زحمتکشان میهن ما بر نداشته اند.

قانون کار کنونی ایران در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسیده و علیرغم نواقص جدی خود ، با اندک تغییراتی که در آن انجام گرفته از ۲۸ سال پیش به اینطرف ، چه در رژیم ستم شاهی و چه در رژیم جمهوری اسلامی همچنان به قوت خود باقی است . شایان یادآوری است ، که در سالهای واپسین حکومت شاه هم پیوسته سخن از لزوم تدوین قانون جدید کار در میان بود و پیش نویس هائی هم تهیه شد . اما هیچگاه به مرحله عمل نرسید . چرا که رژیم شاه نیز نمیتوانست منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در نظر بگیرد و ناچار در پراپر خواست میرم کارگران و زحمتکشان برای تغییر قانون کار به سود فروشنندگان نیروی کار ، تنها متوسل به مانور و عوام فریبی می شد .

در حالیکه هفت سال پیش ، در آبانماه ۱۳۵۸ لایحه قانون جدید کار در کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس مطرح شده است ، بازی بی سرانجام تدوین "قانون کار اسلامی" همچنان ادامه دارد . یک روز احمد توکلی وزیر پیشین کار

و از اعضای کنونی باند روزنامه "رسالت" بر پایه "باب اجازه فقه اسلامی" پیش نویس قانون کار تازه ایرا به رئیس جمهور می دهد که خشم کارگران را برمی انگیزد و موجب عزل او از مقام وزارت می شود و روز دیگر وزیر جدید کار طرح "قانون کار اسلامی" دیگری را به مجلس می فرستد . این لایحه اخیر که در ۲۱/۲/۶۴ به مجلس ارائه شده ، کلیات آن در ۲۷/۲/۶۵ تصویب گردید . اما تازه پس از تصویب کلیات به "نظر خواهی" گذاشته شده و هنوز کارگران چشم پراه مطرح شدن پرای شور دوم در جلسه علنی مجلس هستند تا با متن آن آشنا شوند .

واقعا چرا نه رژیم شاه توانست خود را از "شر" تدوین قانون کار تازه خلاص کند و نه رژیم خمینی قادر به این کار است؟ شاید علت اصلی این سرنوشت مشترک را باید در ماهیت سرمایه داری عقب مانده مردور رژیم جستجو کرد . ضمن اینکه هم شاه و هم خمینی پیوسته می کوشیدند و می کوشند با تعریف و تمجید خشک و خالی از کارگران ، ماهیت ضد کارگری رژیم های خود را در زورق "تمدن بزرگ" و "قسط اسلامی" پپوشانند. نگاهی به پیام طولانی خمینی در آستانه برگزاری مراسم حج که آرا "منشور تازه انقلاب" نام نهادند نشان می دهد که چگونه او ، علیرغم خیانت آشکار به منافع کارگران و دهقانان و در تباین آشکار با واقعیت تلخ زندگی سیاه کارگران و دهقانان ، اوضاع را بر وفق مراد جلوه می دهد و چیزی هم از "پابرهنه ها" و "کوخ نشینان" طلبکار است. کسیکه به بهانه جنگ اچرای پند "ج" اصلاحات ارضی را متوقف کرد ، کسیکه صنایع ایران را همچنان واپسته نگاهداشت و آنها را به تعطیل اچباری محکوم کرد و میلیونها پیکار را به خیابانها ریخت ، کسیکه مالکان فراری را به روستاها بازگرداند و میلیونها روستائی گرسنه و ستم دیده را وادار به ترک روستاها و مهاجرت به شهر کرد... در پیام خود می نویسد: "فریاد پراثت ما فریاد فقر و تهی دستی گرسنگان و محرومان پابرهنه ها نیست که حاصل عرق چپین و زحمات شبانه روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند و از خون دل ملت های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان به اسم سرمایه داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصادی را به خود پیوند داده اند . . . کسی نیست از خمینی بپرسد شما که حاکم مطلق العنان و دارای حق "تو" در "ایران اسلامی" هستی و برای "پابرهنه ها" و "کوخ نشینان" اشک تمساح میریزی تاکنون چه گامی برای حمایت از مردم زحمتکش در پراپر دزدان و زراندوزان داخلی برداشته ای که حالا می خواهی کارگران دیگر کشورها را حتی از "سوسیالیزم و کمونیزم" به عشق سراب "حکومت اسلامی" رویگردان سازی ؟ با خواندن پیام میتوان دریافت که وی مخالف انباشت بی حساب ثروت از سوی غارتگران اجتماعی نیست . او می خواهد تنها کاری کند که ثروتمندان "مال و ثروت خود را پنهان فخر فروشی و مباحات" قرار ندهند و حتی ، بعضی ثروتمندان را از اینکه تصور کنند

قطعه نامه ۵۹۸ باید

کسترده را یاد آور شویم .

وزیر خارجه اتحاد شوروی افزود:

"در چنین شرایطی حفظ وحدت در "شورای امنیت" از اهمیتی بسزا برخوردار است . این وحدت بخودی خود هدف نیست ، بلکه آنرا باید بعنوان شرط ضرور اچرای قطعه نامه ۵۹۸ بشمار آورد . همه اعضای "شورای امنیت" موظفند ، تا خواسته های این قطعه نامه را در اقدامات خود در نظر بگیرند و از نقض آنها خودداری ورزند" .

ادوارد شوارد نازده ادامه داد:

سازمان ملل متحد به نمایندگی ، جامعه بین المللی ، میتواند و باید امنیت کشتیرانی را در خلیج فارس ، بعهدہ گیرد و چنانچه لازم باشد ، میتواند نیروی کافی در اختیار آن گذاشت . همزمان با این اقدام ، باید از یکسو آتش پس میان ایران و عراق برقرار شود و از سوی دیگر ماموریت دبیر کل سازمان ملل متحد مبنی بر تشکیل نهادی مستقل برای ریشه بابی مسئولیت مناقشه تحقق پذیرد . باید در عرض مدتی معین در اینباره به "شورای امنیت" گزارش شود . از اینراه میتوان بدون هیچگونه دشواری نیروهای دریایی خارجی را از خلیج فارس خارج کرد" .

وزیر خارجه اتحاد شوروی در پایان سخنان خود در باره خلیج فارس گفت:

"اکنون بسیار مهم است ، که آرامش خود را حفظ کنیم و از هیچگونه کمکی به دبیر کل و "شورای امنیت" خودداری نوزیم" .

که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست" متنبه کند . خمینی در پیام خود توصیه می کند "همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رغبت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین...". یعنی که گاه یک استکان جای در جمع "پابرهنه ها" و "کوخ نشینان" بنوشند تا بتوانند به آنان تلفیق کنند که در این دنیا دارند "آزمایش الهی" را از سر می گذرانند و نباید شکایتی داشته باشند . چنین است برداشت "شخص اول" یک کشور پنجاه میلیونی از مسائل پرنج اقتصادی و اجتماعی در قرن اتم و سفرهای کیهانی ! از اینگونه "رهبران" مرتجع و بیگانه با مسائل دنیای معاصر البته نمی توان انتظار داشت که نیاز کارگران و دیگر زحمتکشان را به زندگی شرافتمندانه و انسانی ، پری از گدائی و صدقه و خیرات و مهربان درک کنند . اما این حکم دلیل آن نمی شود که زحمتکشان با دست بسته بنشینند و ناظر خودسریهای ارتجاع حاکم در ارتباط با مسائل کار و کارگری باشند . باید با تمام توان و نیرو در پراپر دفاع پیشروانه و موزیانه روحانیون حاکم از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و تلاششان بمنظور سواستفاده از باورهای مذهبی مردم برای چاودان کردن غارتگری سرمایه داران و بزرگ مالکان ایستادگی کرد .

گلی سرخ و بی مرگ بر شاخسار جوانی

گلی سرخ و بی مرگ بر شاخسار جوانی
سحرگاه در محور خون
سواری درآمد خجسته

خجسته
خجسته

سواری درآمد

په پرکرده از عشق چوشن

په شهیدیز گلگون فرارفته از هفت دروازه خون
پیام تو را با خود آورد - انگیزه مرگ طاعون

صدای تو از چارسوی شب تیره چاری شد ای همزبانی
و لرزید پشت زمستان سنگین، افق در صدای تو خندید
ای مهربانی

صدای تو آمیخت با چان

پرانگیخت صبح ز خود رفته را در ستم پیشه سرد ایران
صدای تو بیچید در شاهراه جهانی

از آئین روشن

چراغی پرافروخت در خانه من

چراغی فروزنده مهر میهن

چراغی رهاننده دست های به هم بسته من

دل سخت لرزید - آری کجا خواب؟ بیدار هستم

تو می آئی و باز در خانه با بار هستم

درختی، نه خاموش در گوشه ای وانهاد

که من جنگلم

سبز و پر بار هستم

چه تلخای خشمی فروخورده بودم

چه نچوای دردی ز نفرت په لب پرده بودم

ترا سر پریدند در شامگاهی

و خورشید را سر پریدند خواهی نخواهی

(پنخود گفتم آنگاه واهی)

و من دیده بودم گلی را که پژمرد از غصه باغبانی

و آن یک که انداخت از پرتگاهی خودش راه پائین

و آن یک که رگ های خود را چوید او په دندان

و آن یک فرومانده بهتش در انبوهی ارغوانی

و آن سایه هائی که می آمدند از فراسوی ظلمت بدین سو

رسیدند بی چهره از راه، اما

مگر می شود عشق را کشت؟ - هرگز

مگر می شود نور را کشت؟ - هرگز

رفیقان در آئید، مرد است و میدان

صدای نواز شکر اوست کوپنده لحظه های پر از ترس و تشویش

آری

گرش چهره گلگون و از سیلی خویش و پیکانه پر خون

سرایاست

با ماست

یاران

چراغان کنید آسمان را

زمین را

زمان را

پر آرید فریاد فرزانتگان جهان را

درآمد ز دربار فرزانه من



سحرگاه در محور خون

سواری درآمد خجسته

خجسته
خجسته

پیام تو را با خود آورد آئینه خلق و زنجیرهای گسسته

صدای تو از قعر دریای خون باز برخاست

از عمر شب کاست ای هرزمانی!

تو می آئی ای غصه دردمندان

تو می آئی ای قصه شبنوردان

تو می آئی و تیغ بر فرق شب می زنی باز ای بی خزانی!

و زنجیرهایی که بستند بر بند بند اسیران عاشق

فرو ریخت خواهد

صدای تو یعنی که ای مهربان آمدی تا که با ما پمانی

و پشت ستم را - که تا گشته - پر خاک ها پر نشانی

پناه من ای پیشه امن و ایمن

صدای تو یعنی که از مردمانی

صدای تو آری زمینی ست ای همزبانی!

صدای تو را می شناسد دل خسته من

دل دردمند پر از غصه من

صدای تو یعنی ارانی

صدای تو یعنی خروشی که برخاست از چان خسرو

گلی سرخ و بی مرگ بر شاخسار جوانی

صدای تو ضحاک را دست بسته ست

حلقوم شب را شکسته ست

ای چاودانی!

صدای تو یعنی طینینی که رگبار دارد

صدای تو یعنی که خلقی است، آهنگ بیکار دارد

صدای تو از رنج ما پار دارد

و تیغی پرنده ست پا سینه خصم ما کار دارد

صدای تو یعنی که افتاده ای تا پخیزی

صدای تو یعنی که برخاستی تا پمانی

پمانی

پمانی

خجسته باد جهل و ششمین سالگرد * * *

کارگر و نیز پیوند نام حزب با بزرگترین جنبش های ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه تاریخ معاصر ایران روشنگر ماهیت حزب ماست. رشد و پالندگی حزب، علیرغم یورش های خونبار و فاشیستی رژیم شاه و خمینی و کینه توزی و دشمنی ارتجاع و امپریالیسم و اعتماد فزاینده زحمتکشان ایران و جنبش کمونیستی و کارگری جهانی به حزب ما زمینه ها را می تواند به این نتیجه انسان صادق و مایل به داوری عینی و منصفانه را می تواند به این نتیجه منطقی راهبر شود، که چنین اعتماد و سرمایه سیاسی به آسانی بدست نیامده و نمی آید و تنها میوه یک روش پیگیر انقلابی است.

حزب ما، پرخلاف دعاوی دشمنان و مخالفانش، پایبای تلاش موفقیت آمیز برای اشاعه هرچه وسیع تر جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم، (نه تنها در داخل کشور، بلکه حتی تا فراسوی مرزهای ایران) هیچگاه پرچم پیکار در راه حفظ پاکیزگی سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی را بر زمین نگذاشته است و همواره علیه هرگونه تظاهر اپورتونیسیم، رفرمیسم، رویزیونیسم "چپ" و راست و فراکسیونیسیم رژیم شده است. به باور ما، دقیقاً از همین روست، که سران مرتجع جمهوری اسلامی از ادامه فعالیت حزب ما در سطح جامعه پگونه ای مرگبار هراس داشتند و آنرا آماج یورش وحشیانه قرار دادند. محسن رضائی اعلام داشت که "حزب توده پایگاه شرق در کلیه کشورهای اسلامی برای اشاعه (اندیشه های) کمونیستی و مارکسیستی است" و دیگری گفت که نکوئید حزب توده ایران، بگوئید "حزب توده افغانستان... حزب توده خاورمیانه".

در عین حال، حزب در سال های زندگی و فعالیت پربار خود اینجا و آنجا مرتکب اشتباهاتی نیز چه در زمینه ارزیابی سیاسی و چه در کاربست موازین سازمانی شده است. البته سرزدن اشتباهات قابل انتقاد تنها خاص حزب ما نیست، بلکه جنبه عام دارد. حزبی را در جهان نمی توان یافت، که در مراحل گوناگون رشد خود در برابر درگونی های پفرنج و سریع رویدادها، و نوسدن صفوف مبارزه و دیگر عوامل عینی و ذهنی دچار اشتباه در ارزیابی و عمل نشده باشد یا نشود. تنها شیدان سیاسی و یا ساده لوحان خیالیاف، که شناختی از سرشت یافت پفرنج جامعه انسانی و تاریخ ندارند مدعی می شوند، که می توان فعالیت و مبارزه کرد و اشتباه نکرد.

از پرور اشتباه همیشه نمی توان جلوگیری کرد، ولی مهم آنست که با اشتباه و علل بوجود آورنده آن پرخورد جدی و اصولی گردد و در کوتاهترین زمان ممکن درس های پگررفته از اشتباهات در متن عمل و مبارزه بکار بسته شود و راه پسر تکرار آنها پاز نماند.

امسال در شرایطی زادروز حزبمان را جشن می گیریم، که در پرتو فعالیت پرشور و فداکارانه اعضا و هواداران حزب در ایران، علیرغم فشار روزافزون نهادهای سرکوبگر، تعداد هسته های حزبی در سراسر کشور افزایش یافته و کیفیت کار آنها به سطح نوینی ارتقاء پیدا کرده است. نشانه پارز آن را در انتشار به نسبت وسیع و سریع اسناد و مدارک مصوبه کنفرانس ملی و "نامه مردم" و فعال بودن توده ای ها در مراکز مختلف اجتماعی و تولیدی در عرصه های گوناگون می توان دید.

در حال حاضر آنچه در روند گسترش فعالیت حزب در بین زحمتکشان اهمیت دارد، تحکیم هرچه بیشتر پایه های وحدت اراده و عمل و انضباط آگاهانه، از جمله رازداری و مراعات اصول لنینی پنهانکاری است. در عین حال، باید فرد فرد اعضای حزب مسئولانه و بدون تزلزل با افکار و نظرات آشفته ضد حزبی، که همچنان تلاش می شود، راهشان را به درون حزب باز کنند، به روبرویی پرخیزند.

اینک، واقعیات سرسخت و گذشت زمان، آن هم نه زمانی دراز، پرده از ماهیت و نیت اخراج شدگان از حزب (به تصویب کنفرانس ملی) بیشتر و بیشتر برداشته است. پراکندگی و چنددستگی، سردرگمی و اختلافات لاعلاج، انشعابات ناگزیر و بی پایان، گسترش روحیه انفعال و یاس و سیاست گریزی، در واقع شاخص های اصلی وضعیت حاکم پرادرگاه پی رونق گروه بندی های رنگارنگ ضد حزبی است. امروز دیگر ماهیت جمله پردازیهای "انقلاب" افشا و حتی با اتکا به افشاکرهای انشعاکران از گروهک "توده ایهای روز" پیش از پیش "گرایشهای انحرافی" در پرخورد به انترناسیونالیسم، انقلاب، دموکراسی و مسئله ملی و "سبک کار

غیر دموکراتیک"، "رفتار اپورتونیستی" و "دروغ پردازی"، "خود محوری و پرتری چوئی"، "دسته بندی و فراکسیون بازی" کسانی که به ظاهر داعیه "اصلاح و پازسازی حزب" را داشتند، آشکار شده است. حال آشکار تر از همیشه می توان دید، آن مجموعه عللی، که دیروز به تعایق و سپس به اخراج فراکسیونیسیتها در کنفرانس ملی منجر شد، اساساً نه در بیان نارسانیهای موجود در کار سازمانی یا اختلاف در برداشت پیرامون این یا آن جنبه از فعالیت حزب، بلکه از شالوده تفکر و نگرش انحرافی آنها در پرخورد به منافع طبقه کارگر و مسائل سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی سرچشمه می گرفت. و باز قاطع تر از همیشه می توان گفت، که رای شرکت کنندگان در کنفرانس ملی به اخراج فراکسیونیسیتها از حزب بمعنای داغ محکومیت زدن بر مواضع کسانی بوده است که به خیال خام خود می خواستند حزب را به پیراهه انحراف از اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری پکشانند. پس از گذشت پیش از یکسال از کنفرانس ملی، هر هیچ کس پوشیده نیست که اکثریت قریب به اتفاق اعضای حزب بر بیان این اصل لنینی که "ما وظیفه داریم ثبات، پایداری و پاکیزگی حزب خودمان را محفوظ داریم، ما باید پکوشیم تا منزلت و اهمیت عضو حزب را پالاتر، پالاتر و پالاتر پبریم..." (مجموعه آثار لنین) عمل کردند و دست رد بر سینه فراکسیونیسیتها زدند. ولی پودند اقلیت کوچکی از اعضا و هواداران حزب که از مکتب خودروی پرتافتند و خود پیوند خویش را با حزب پریزدند. بنظر ما، پخشی از روی پرتافتگان از حزب به اشتباه در چپه روبرویی با آن قرار گرفته اند. جای پایبندان صادق به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در کنار ماست و پارد دیگر اعلام می کنیم که در حزب همواره به روی آنان پاز است.

رفقای عزیز! هم پهمان!

امسال در شرایطی زادروز حزبمان را جشن می گیریم، که ژرفش پهران اجتماعی - اقتصادی، حادثر شدن تضادهای طبقاتی، ادامه پرمخاطره جنگ و ترور و خفقان فرمانروا پر جامعه به ناخشنودی توده های مردم ابعاد بسیار وسیعی پخشیده است. سیاست و عملکرد رژیم در دفاع از منافع کلان سرمایه داران و پزرگ زمینداران در تضاد با منافع طبقه کارگر و وسیع ترین قشرها و طبقات مردم و خلفهای ایران است. چپه قشرها و طبقات اجتماعی، که با توجه به وضعیت عینی شان در چارچوب مناسبات تولیدی حاکم به پهرم زدن نظم موجود علاقمند هستند و بالقوه قادرند در مبارزه پخاطر پیروزی نظام مترقی تر شرکت کنند، هرچه وسیعتر می شود. در شرایط جامعه ما، طبقه کارگر، دهقانان، خرده پورژوازی، پورژوازی کوچک و متوسطدر سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی ذینفعند.

رفقای حزبی! نیروهای انقلابی و دموکراتیک!

در حال حاضر عوامل عینی یک تحول انقلابی مدنهادست در جامعه فراهم گردیده است و به جرات می توان گفت تنها شکل نگرفتن عامل ذهنی راه راهبر فرارویی جنبش اعتراضی پراکنده و سازمان نیافته و خودپوی مردم پسته است و حکومت خمینی پرایکه قدرت تکیه زده است. زمانی می توان امواج نارضایی مردم را به توفانی سهاگین و پهنیان کن تبدیل ساخت، که جنبش، مسلح به پرنامه و نیروی رهبری کننده باشد.

پرخاسته از این واقعیت است که پایان پخشیدن به تفرقه و چندپارچگی حاکم پر چپه خلق ضرورت حیاتی دارد. احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک باید با احساس مسئولیت عمیق، توان و اراده واحد سیاسی خود را در خدمت تشکیل چپه ای با پرنامه عمل مشخص پگذارند. دستیابی به زبان مشترک برای پریابی چپه متحد خلق، بالقوه می تواند زمینه ساز پهره پرداری از نارضاییها و هیجانات انقلابی توده ها و سازماندهی آنها و تعرض انقلابی وسیع علیه سران مرتجع جمهوری اسلامی گردد. پیروان سوسیالیسم علمی تنها در صورتی می توانند در تحولات آینده نقش چشمگیر در جهت تامین سرکردگی طبقه کارگر ایفا کنند، که خود در راه اتحاد و وحدت اصولی گام بردارند و در جهت آگاه ساختن و متشکل کردن طبقه کارگر و تامین اتحاد دیگر قشرها و طبقات خلق در زیر پرچم این طبقه پکوشند. در غیر اینصورت هر سخنی درباره سرکردگی طبقه کارگر جز خشت خام پرآپ زدن نیست و نخواهد پود.

پیروان سوسیالیسم علمی، پنا به رسالتی که برای خویش قائلند، پادر نظر

از انتشارات هسته‌های حزبی در ایران

عدم وجود دستگاه‌های ایمنی و حفاظتی موجب مرکز -
علی بابایی اذر
کارگزار رسانه کبریت ۲۹ بهمن (توکلی سابق) شد

به رادپوی زحمتکشان ایران
گوش کنید

فرخنده باد جشن اول ماه مه
روز همبستگی رزمی
کارگران و زحمتکشان جهان

سرنگون باد
جمهوری اسلامی

به جبهه‌های جنگ نروید
علیه جنگ اعتراض کنید!



حزب توده ایران
برنامه
محبوب کتک‌ها علی حزب توده ایران
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

مرکز بخینینی
زنده باد صلح و آزادی
مردان و زنان حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره جنایت در زندانها
ما را رسیده از زندانیان ایران عالی‌جناب موشکافان
گناهناک ما را رسیده از زندانیان ساسانه

رعایت اصول نجاتکاری
شرط ضرورت در کار مخفی

برگه بر آمریکا
زنده باد صلح

نابود باد جنگ
زنده باد صلح

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در زمینه کفراناس ملی
در ویدئو کفراناس ملی
حزب توده ایران

ارزیابی خط مشی حزب توده ایران
دو سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره اعتصاب غذای زندانیان توده‌ای

دیبلماسی پشت پرده ولایت فقیه در بند و بست با کاخ سفید
علیه
تحمیلات ارتجاعی رژیم
اعتراض کنید!

زنده باد صلح
زنده باد صلح

کفراناس ملی حزب توده ایران
اسناد

بیانات رفیق علی خاوری
دیر اول کمیته هشتمین سالگرد انقلاب بهمن
به مناسبت

نگاهی به جشن دموکراتیک زنان ایران
تنگناهای

زنده باد صلح
زنده باد صلح

کفراناس ملی حزب توده ایران
اسناد

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

خبرنامه توده
تنگناهای

بیانیه هیأت سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ایران
مبارزه انقلابی توده‌ها را سازمان دهید

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

اعلامیه جهانی
حقوق سندیکائی
نصوبه نهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

تنگناهای

رهنمودها و شعارهای حزب توده ایران
به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه (اردیبهشت)
روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

اعلامیه جهانی
حقوق سندیکائی
نصوبه نهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

تنگناهای

بنیادین آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۵

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

اعلامیه جهانی
حقوق سندیکائی
نصوبه نهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

تنگناهای

بنیادین آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۵

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

اعلامیه جهانی
حقوق سندیکائی
نصوبه نهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

تنگناهای

بنیادین آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۵

مردم خشم انقلابی خود را نشان
میدهند

اعلامیه جهانی
حقوق سندیکائی
نصوبه نهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

تنگناهای

وحدت عمل برای نجات
جان زندانیان سیاسی
و وظیفه عاجل نیروهای
دمکراتیک و مترقی است!

ب - مثل بازو کا

نامه به دوستی در ایران نوشتن و خواستم تا برابم یک جلد کتاب اول ابتدایی - چه قدیم و چه جدید - بفرستد تا بتوانم به دختر کوچکم خواندن و نوشتن یاد بدهم. پس از مدتی دوستم کتاب پر نقش و نگاری با ۲۲ حرف و ۲۲ کلمه با عنوان "الفبا را با نقاشی بیاموزیم" برابم پست کرد و از نامه اش چنین برمی آمد که فرستادن کتاب اول ابتدایی برای بچه های معصومی که ناگزیر شده اند همراه پدر و مادرشان به مهاجرت بروند، امکان پذیر نیست. با خود گفتم، بهر حال در پیاپی آنکه کفش کهنه هم نعمتی است. اما همینکه کتاب را باز کردم و تا آخر ورق زدم دود از کلام برخاست. "ناشر" محترم که از تاجرهای با سابقه است و تاکنون با انتشار کتاب های بر زرق و برق، بویژه در زمینه "ادبیات کودکان و نوجوانان" پول هنگفتی به جیب زده است، با یک تیر و نشان زده و الفبای فارسی را وسیله سودجویی و تبلیغ "فرهنگ جنگ" قرار داده است.

در "الفبا را با نقاشی بیاموزیم" برای آموزش هر یک از ۲۲ حرف الفبای فارسی به عنوان مثال نام یک جنگ افزار یا کلماتی که نظامی گری و جنگ را تداعی کند آورده شده است، مگر در موارد استثنائی که به آنها اشاره خواهم کرد. حال به متن کتاب مراجعه می کنیم: الف - اتومبیل، پ - بازو کا، ب - یادگان، ت - تانک، ث - ثغا (تصویر مربوطه نماز یک حزب الهی در جبهه را نشان می دهد، در حالیکه تفنگ و کوله پشتی اش را کنارش گذاشته است)، ج - جبهه، چ - چتر باز، ح - حمله، خ - خلبان (با تصویر یک "حزب الهی" لاپد آماده برای همباران)، د - دریانورد، ذ - ذوب (تصویر نشان می دهد که چگونه یک تانک در اثر شلیک بازو کا یک "حزب الهی" ذوب می شود)، ر - رادار، ز - زره پوش، ط - طبل، ظ - ظرف (قمقه و یقلاوی)، ع - عدالت (لاپد از همان دست عدالتی که در جمهوری اسلامی با آن آشنا شده ایم)، غ - غواص، ف - فانووم، ق - قایقران، ک - کماندو، گ - گلوله، ل - لاله، م - مین، ن - نیزه، و - وداع (وداع یک سرباز "حزب الهی" پیش از رفتن به جبهه)، ه - هفت تیر، ی - یوزی.

چنانکه ملاحظه می کنید از کلمات انتخاب شده برای تمام ۲۲ حرف فقط سه چهارتا غیر نظامی است. کلماتی که مناسب تر آنها را ناشر و تهیه کنندگان حتما زیاد جستجو کرده اند و نیافته اند، در حالیکه می توانستند سنگ تمام بگذارند و با گذاشتن فکرشان روی هم مثلا بجای اتومبیل، از تم با تصویر همباران امی شهرها به شیوه هیروشیما و ناگازاکی، بجای عدالت از عملیات انتحاری با تصویر کودکان و نوجوانان معصوم تکه تکه شده در میدانهای مین و بجای تصویر صیاد از تصویر گشت هائی که دائما در پی صید انسان ها و تامین گوشت دم توپ هستند استفاده کند و چون جنگ طلبی رژیم ج.ا. را تمام و کمال نشان بدهند.

تجربه ای سودمند

بتجربه از صفحه اول

چنانچه تجربه نشان داده است، می تواند نتایج ثمر بخشی را در پی داشته باشد. یکی از مهمترین علل کاهش نسبی شمار اعدامها حرکت های اعتراضی بشریت مترقی در سراسر جهان علیه شکنجه و اختناق و اعدام نیروهای انقلابی در ج.ا. است. در سازماندهی چنین حرکت های نیروهای انقلابی و مترقی نقش بسیار بزرگی داشته اند و دارند. افشای ماهیت چنانچه پیشه سران مرتجع حاکمیت "ولایت فقیه" و آنچه که در درون زندانهای جمهوری اسلامی می گذرد در سطح بین المللی و نیز جلب همدردی و همصدائی مردم کشورهای دیگر از طریق تظاهرات و اعتصاب غذای جمعی گامی است بزرگ در جهت تکمیل مبارزه نیروهای مترقی در داخل کشور. متأسفانه دیده می شود که در کانونهای مختلف دفاع از زندانیان سیاسی در کشورهای گوناگون، کنگاه تعصبات خشک گروهی و یا پرداختهای غلظت و غیر منطبق با واقعیت از سیاست و ماهیت دیگر نیروها پیامدهای ناخوشایندی پدید آورده که توجه ناظران را برمی انگیزد. ما برآنیم که در عرصه بین المللی مبارزه نیز هر چه اتحاد عمل بیشتر باشد، دستاوردها فزونی تر خواهد بود. به این دلیل توصیه می کنیم که نیروهای مترقی و انقلابی و کانونهای یاد شده کارزار مبارزه خود را، از جمله برای آزادی زندانیان سیاسی، هر چه بیشتر هماهنگ کنند. بدون تردید در چنین چارچوبی است که این مبارزه جلوه بیشتری می یابد و موج همبستگی با ایران در بند فراگیرتر می شود.

این نتایج امیدوارکننده آموزنده نیز هست: می توان دارای اندیشه ها و دیدگاههای گوناگون بود، اما با حفظ موارد مورد اختلاف، برای امر مشترک به نبرد مشترک پرداخت. آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی هدف اجتماع کنندگان بود. این شعار می تواند همه نیروهای انقلابی و مترقی را برای آزادی عزیزان در بند خلق متحد کند. بویژه آنکه زمینه اتحاد عمل فراهم شده است. اتحاد عمل می تواند جمعهای کوچک را به جمع بزرگ و حرکت های خودیو را به حرکت های سازمان یافته و هدفمند تبدیل کند و موجب جلب پشتیبانی هر چه وسیعتر زحماتشان در جهت گشودن در سیاهالها و آزادی زندانیان سیاسی شود. مردم زمانی به مبارزه جلب می شوند. که ثمر بخش بودن آنها احساس کنند و این بستگی کامل به تقاضای ملموس حرکت سازمان یافته و متحد همه نیروهای مترقی و انقلابی پیشامنگ دارد. ادامه چنین حرکت های است که سیل بنیان کن توده های ناراضی را به خیابانها خواهد کشید و تومار رژیم را در هم خواهد پیچید. ما به این امر ایمان داریم. روشن است که یک پای مبارزه خطر کردن است و خطر کردن زخم خوردن و ضربه پذیری از دشمن را نیز در بر دارد. بدون دادن تلفات نمی توان بر حریف چنانچه پیروز شد. چنانکه خانواده های زندانیان سیاسی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اما هر قدر جمع متشکل تر و سازمان یافته تر و برنامه ریزی شده تر عمل کند، اثر ضربه های متقابل کمتر و کمتر و نهایتاً به ضد خود تبدیل خواهد شد. باید در نظر داشت، که امروزه حقانیت و ماهیت خلقی و انقلابی مبارزه ما بر بخش بزرگی از توده ها ثابت شده و همین می تواند ما را روز بروز قوی تر سازد و دشمن را بیشتر به عقب پشاند و سرانجام خلع سلاح کند.

جنبه بین المللی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نیز از این قانوندهی مستثنی نیست و

نکته دیگر اینکه این کتاب از دیدگاه آموزش بی ارزش است، بنا بر این بحث درباره فارسی نبودن کلماتی از قبیل بازو کا و تانک و فانووم و کماندو و مین و یوزی و غیره چائی ندارد، چرا که سروکار ما نه با متخصصان امر آموزش و ادب، بلکه با تاجران دندان گرد و بی فرهنگ مبلغ جنگ است.

(از یک نامه رسیده)

خجسته باد چهل و ششمین

داشتن منافع جنبش

کمونیستی و کارگری میهنان، با پایبندی وفادارانه به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، باید به مسئله اتحاد خواه در مفهوم گسترده آن، یعنی جبهه متحد خلق، خواه در مفهوم تنگ دامنه تر آن، یعنی کام برداشتن در راه وحدت پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر، برخورد اصولی، برخورد لنینی را بیشه سازند. هواداران صادق و پیگیر راه مارکس، انگلس و لنین هرگز در ورطه فرصت طلبی، انحصار طلبی و سوداگری سیاسی در نمی غلتند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

حزب را باید از هر جهت برای شرکت در تحولات انقلابی آینده آماده ساخت و به مکتب عالی رشد آگاهی طبقاتی کارگران و پرورش انقلابی آنان تبدیل کرد. ما اطمینان داریم، خون پاک ارانی کبیر، خون روزبه گرد و دیگر شهیدان راه حزب و مردم و رنج هزاران زندانی و شکنجه دیده حزب ما در کردار انقلابی ما بارور خواهد شد و در پوش خلق راه افقهای فردا را خواهد گشود.

خجسته باد چهل و ششمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران!

ادعای آنچنانی

خامنه‌ای در دیدار با "اعضای شورای مرکزی جهاد دانشگامی" ادعا کرد:

"ما پس از گذشت ۹ سال از انقلاب اسلامی همچنان هدف خصومت قلدرها هستیم. زیرا پر خلاف انقلابهای کشورهای دیگر که پس از چندی، شعارهای خود را فراموش می‌کنند و به محافظه‌کاری روی می‌آورند، ما شعارهای خود را محکم نگهداشته ایم و نخواهیم گذاشت که این احساس بوجود آید که انقلاب (پخوان: جمهوری، اسلامی) شعارهای خود را فراموش کرده است..."

رئیس جمهوری اسلامی برای اثبات ادعای کذابی خود حضور نظامی ایالات آمریکا و شرکایش در خلیج فارس را دلیل بر حقانیت رژیم قلمداد می‌کند. حال آنکه این نیروها درست با دستاویز قرار دادن سیاست توسعه طلبانه و ماجراجویانه ج.ا. تلاش می‌ورزند تا پایگاه خود را در کشورهای منطقه محکم سازند و زیر پوشش مقابله با ج.ا. "منافع حیاتی" خود را تضمین کنند.

و اما در اینجا بحث بر سر این مسئله نیست، بل بر سر اصل موضوع، یعنی ادعای خامنه‌ای دال بر "فراموش نکردن شعارها" و یا روی نیاوردن ج.ا. به "محافظه‌کاری" و در واقع خیانت است.

روحانیت تحت رهبری خمینی، پیش و بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل ج.ا. عمدتاً حول سه محور استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی شعار می‌داد و در این چارچوب توانست توده‌ها را زیر پرچم خود گرد آورد. گفته‌های خمینی در هنگامه پیروزی انقلاب و پس از آن نشان دهنده این واقعیت انکار ناپذیر است. طبیعی است که وعده وعیدهای داده شده برای توده‌هایی که علیه وابستگی رژیم شاه و سیاست اختناق و استثمار آن بپاخاسته بودند گیرائی داشت. اما دیری نپائید که در جریان چرخش پرست شعارها تدریجاً تغییر شکل در محتوا دادند و مسخ شدند. در این روند مبارزه با آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی به مبارزه با "استکبار جهانی" و "کفر جهانی" تبدیل گردید، دستاورد بزرگ انقلاب بهمین، یعنی آزادیهای دمکراتیک پایمال شد و نیروهای مترقی یکی پس از دیگری مورد یورش قرار گرفتند و از صحنه مبارزه علنی کنار گذاشته شدند. در ادامه این روند حتی طیفی از دست اندکاران رژیم نیز که گاهی "زبان درازی" می‌کردند، ناچار شدند که بقول معروف "ماستها را کیسه کنند". کار پچائی رسید که یکی از نمایندگان مجلس گفت: "امیدواریم پیش از آنکه در برابر دوربین قرار بگیریم خودمان به بازنگری بپردازیم و افکار را تصحیح کنیم". در پاره فراموش شدن شعار "عدالت

اجتماعی" نیز نیاز به توضیح زیادی نیست. آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است. نگامی در متن جامعه و زندگی اسفبار زحمتکشان و میلیونها انسانی که در شرایط زیر فقر زندگی می‌کنند و همه هستی شان بتاراج رفته است، عدم صداقت رئیس جمهوری در ادعای خود را ثابت می‌کند. جاکمیت سرمایه بر زندگی زحمتکشان چیزی نیست که تنها ما گفته باشیم، بلکه برخی از دست اندرکاران رژیم ج.ا. نیز به آن اعتراف می‌کنند. مثلاً حائری زاده، نماینده مجلس، با اشاره به نقدینگی بالای ده هزار و دویست میلیارد ریالی پخش خصوصی "آن هم بصورت بی‌بند و بار" و "کرمی بازارهای دلالی و واسطه‌گری" از جمله می‌گوید:

"شبهه بیبسته سازمان اقتصاد اسلامی، صندوق چاوبد و صندوقهای بزرگ ابسته به آنها و اتاق بازرگانی و حامیان چاده صاف کن آنها در کمیسیون های بازرگانی و اقتصاد و دارائی مجلس و دیگران، همه و همه نشانه آن است که حاکمیت سرمایه کاملاً وجود دارد. آقایان مقررات صادرات و واردات را نیز باب دندان و سلیقه یولدرهای بازار تنظیم می‌کنند". آیا این است مفهوم عدالت اجتماعی و عدم محافظه کاری رژیم ج.ا. در برابر قلدرها؟ آنچه حائری زاده و امثال او را می‌ترساند و امیدارد که تحت فشار افکار عمومی بر غارت بی بند و بار پخش خصوصی زبان به اعتراض بکشایند، اثبات حقانیت مواضع حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی در نزد توده‌هاست، که از همان آغاز انقلاب، در چارچوب شرایط مشخص، خواهان اجرای کامل شعار "آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی" بودند و بهمین دلیل مورد کینه و نفرت شدید و حمله پهمی مدافعان غارت بی بند و بار سرمایه داران و زمین داران بزرگ قرار گرفتند. حائری زاده با اشاره به یورش به حزب توده ایران و دیگر نیروها می‌گوید انقلاب اسلامی در این زمینه‌ها "مسلسل و خوب" پیش رفته است، "اما با مخالفت و مبارزه با حرکت راست هنوز راه طولانی در پیش داریم، چون بسیاری از مقدس ما بان از این جریانها دفاع می‌کنند". حرف اساسی او این است: "اگر ما پرست برویم قطعاً چپ مخفیانه رشد خواهد کرد".

نگرانی حائری زاده بی اساس نیست. آری کمونیستها هستند که مبارزه پیگیر با غارتگران اجتماعی و دفاع از خلق محروم و ستمدیده را در صدر برنامه خود قرار می‌دهند و در پیشاپیش توده‌ها در راه آزادی، استقلال و دستیابی به عدالت اجتماعی حرکت می‌کنند. کمونیستها چون حرف دل زحمتکشان را می‌زنند و مبارزه شان تهلور خواست توده‌هاست روز بروز بیشتر رشد خواهند کرد. ما در پستر شرایط موجود و به رغم فشار و اختناق حاکم بر جامعه به پیشروی خود علیه رژیم پیگیرانه ادامه خواهیم داد و اطمینان داریم که توده‌های عظیم زحمتکشان و آنها که خواستار تحقق شعارهای فراموش شده‌اند.

از مین در بند

به مامی نویسند

کنترل متلها

سپاه و "اداره اماکن" کنترل متقاضیان اجاره خانه‌ها و مسافران متلها را بشدت دنبال می‌کنند.

در متلها مسافران "مظنون" تحت بازجویی قرار می‌گیرند و در غیاب آنها وسائلشان بازرسی می‌شود.

برای اقامت در هتل و یا اجاره کردن خانه تأیید سپاه و "اداره اماکن" الزامی است. در غیر اینصورت متصدیان متلها، صاحبان پنکامهای معاملاتی و یا کسانی که خانه خود را مستقیماً اجاره می‌دهند به اتهام همکاری با "گروهمکا" تحت پیگیری قرار می‌گیرند.

همچنین چنانچه زن پتنهائی بخواد در هتل اتاق بگیرد، باید از همسر و یا والدینش اجازه نامه در دست داشته باشند و مشخصات کامل را در اختیار ماموران قرار دهند. در غیر اینصورت کارش دشوار خواهد شد.

داروی "فرنگی" در

بسته بندی "وطنی"

داروهای وارد شده از خارج در قوطی های وطنی و با پرچمهای "تولیدارو" یا "داروپخش" عرضه می‌گردد. تولید در سطح این شرکتها بشدت کاهش یافته و کمبود دارو پورژه در بین زحمتکشان و در نقاط دور افتاده کشور موجب افزایش مرگ و میر می‌شود.

لوازم مورد نیاز پزشکان نیز بشدت کمیاب شده است. هر پنج سال یکبار به هر پزشک یک گوشی طبی و یک فشار خون سنج بقیمت تعاونی داده می‌شود. دیگر وسائل مورد نیاز باید از "بازار آزاد" تأمین شود.

به جمع ما خواهند پیوست. بگذار خامنه‌ای و امثال او در تظاهر به خواب خرگوشی و فریب توده‌ها کارشان را دنبال کنند، آینده از آن نیروهای مترقی و انقلابی است.

در ۲۱ مهر ۵۷، یعنی هنگامی که خلق بپاخاسته ما می‌رفت تا طومار حکومت ننگین سلطنتی را برای همیشه در هم بپیچد، خمینی گفت: "اگر چنانچه یک ملتی ایستاد و حق خویش را خواست، سر نیزه نمی‌تواند جلوی او را بگیرد". امروز که خیانت خمینی و پیروان مرتجع او اثبات شده و در اثر فشارهای اقتصادی و اختناق حاکم بر جامعه کارد به استخوان توده‌ها رسیده است جای آن دارد سخنان "ولی فقیه" را ببادش بیاوریم که با اتکا به سر نیزه نمی‌توان در برابر مردم ایستاد.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

چند گام امید بخش

در ارزیابی نتایج گفتگوهای وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا میتوان گفت که چند گام امید بخش در راستای افزایش اعتماد متقابل، حفظ صلح و امنیت بین المللی و کاهش خطر فاجعه جنگ هسته‌ای برداشته شده است. توافق اصولی درباره ناپود کردن موشک های میان پرد در سراسر جهان، قرار گرفتن در آستانه توافق پیرامون از بین بردن موشک های با برد کوتاه (به اصطلاح موشک های عملیاتی - تاکتیکی)، امضای موافقت نامه در مورد ایجاد مراکز پهنظور کاهش خطر برخورد هسته ای و بالاخره اعلام تاریخ تقریبی دیدار مجدد میان میخائیل گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، و رونالد ریگان، رئیس جمهور آمریکا را می توان از جمله این گامها بر شمرد.

بیگمان اگر در فرصت کوتاهی که تا دیدار رفیق گارباچف از آمریکا باقی است، وقایع غیر مترقبه ای رخ ندهد و دیدار مجدد وزیران امور خارجه دو کشور در نیمه دوم اکتبر در مسکو به همین اندازه ثمر بخش باشد، میتوان امیدوار بود که طی این دیدار سران دو کشور گامهای دیگری نیز بسوی محو کامل و قطعی جنگ افزارهای امحای جمعی، اعم از هسته ای و شیمیایی و پاکتریولوژیکی، برداشته شود و خطرات سهمگینی، که وجود زندگی در روی کره زمین و بقا بشریت را تهدید می کند، تا اندازه ای بر طرف گردد.

روشن است که مسئله حفظ صلح بین المللی تنها مسئله در پراپر جامعه جهانی نیست ولی بدون تردید مهمترین مسئله است، چرا که برای گفتگو درباره حل دیگر مسائل حاد و مبرم، نخست باید زنده بود. مردگان حرفی برای گفتن ندارند! از جمله مسائل مبرم و حاد جهانی، که کم کم

دارد جامعه انسانی را شدیداً تهدید می کند، مسئله حفظ محیط زیست است. جهان امن و مطمئن همچنین نیاز به حل مسئله فقر و گرسنگی و بیماری، مسئله حلقه خفه کننده وامهای سنگین بر گردن کشورهای جهان سوم، مسئله شناسائی حق ملل در تعیین آزادانه سرنوشت خویش و عدم دخالت نظامی و غیر نظامی در امور داخلی دیگر کشورها - از سوی امپریالیسم بین المللی، پایان دادن به جنگ های منطقه ای و مانند آنها را دارد. ضمناً نباید فراموش کرد، که در داخل آمریکا و حتی در درون دولت آمریکا مخالفان سرسخت صلح بین المللی و آزادی خلقها اندک نیستند و هر گاه پیشرفتی در جهت مثبت آغاز می شود، بی درنگ اقداماتی را برای جلوگیری از گسترش آنها شروع می کنند. درست چند روز پس از پایان گفتگوهای وزیران امور خارجه دو کشور، و این پرگر، وزیر دفاع آمریکا، دستور آزمایش چند دستگاه مربوط به "جنگ ستارگان" را صادر کرد که ضمناً یعنی زیر پا گذاشتن قرارداد "دفاع ضد موشکی" میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا است. معاون امنیتی ریگان نیز گفته است: "ما هیچگاه مواضع خود را در مورد "ابتکار دفاعی استراتژیک" پنهان نکرده ایم. ما قصد داریم هر چه زودتر آنرا تکامل بخشیم و اگر آماده شد آنرا بخدمت گیریم." او تاکید کرده است که حتی در صورت دستیابی به توافق با اتحاد شوروی در مورد جنگ افزارهای استراتژیکی، آمریکا همچنان قصد تحقق برنامه "جنگ ستارگان" را دارد. مفسر "پراودا" در این زمینه می نویسد: باید گفت منطق شکفت انگیزی است. ظاهراً در "واشینگتن" نمی فهمند، که نمی توان چگونه ای همزمان جنگ افزارهای هسته ای را در روی زمین کاهش و در فضای کیهانی افزایش داد... یا اینکه نمی خواهند بفهمند؟"

"جامعه عرب":

به جنگ پایان دهید!

چند روز پیش کشورهای عضو "جامعه عرب" نگرانی عمیق خود را از "احتمال گسترش دامنه تشنج" در خلیج فارس ابراز داشتند. در واقع، جنگ ایران و عراق موضوع اصلی هفتاد و هشتمین "اجلاس عادی شورا"ی ۲۱ کشور عرب و "سازمان آزادیبخش فلسطین" در تونس بود.

یادآور می شویم که چند روز پیش از این اجلاس، وزیران خارجه کشورهای عضو "جامعه عرب" در نشست فوق العاده ایران و عراق را به پایان بخشیدن بیدرتنگ به جنگ فراخوانده بودند. آنها با اشاره به ماموریت خاور پرز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، بر ضرورت کوشش هرچه بیشتر برای یافتن راه حلی سیاسی تاکید ورزیده بودند.

کشورهای عضو "جامعه عرب" نگران آنند، که گسترش جنگ خطری جدی برای سراسر منطقه پدید آورد. آنها همچنین ایالات متحده آمریکا را بخاطر تقویت حضور نظامی خود در خلیج فارس (پیش از ۴۰ کشتی جنگی و در حدود ۲۵ هزار سرباز) بهاد انتقاد گرفتند.



به برنامه های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی بند و آزاد توده های رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱.۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۱۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

فرانتس موری در غرقه مشترک "نامه مردم" و "کار"

روز ششم سپتامبر، رفیق فرانتس موری، دبیر کل حزب کمونیست اتریش، پاتفاق رفقا پدولسکی، عضو کمیته مرکزی و دبیر کمیته شهر وین، و کارکا، عضو کمیته مرکزی، از غرقه مشترک دیدار کردند و همبستگی خود را با کمونیستهای ایران ابراز داشتند.

رفیق فرانتس موری، از جمله گفت:

"ما، چون تاکنون، در آینده نیز پیوسته در کنار کمونیستها و مردم مبارز ایران خواهیم بود."

در روزهای ۵ - ۶ سپتامبر جشن سالبانه روزنامه "فولکس اشتیمه"، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش، در وین برگزار شد. در این جشن، که بزرگترین جشن سیاسی اتریش بشمار می رود، "نامه مردم" و "کار" نیز غرقه مشترکی داشتند. این غرقه با شعارهایی چون "ناپود باد جنگ، زنده باد صلح"، "زندانیان سیاسی باید آزاد شوند"، "فرخنده باد شصت و هفتمین سالگرد حزب کمونیست ایران!" و... تزئین شده بود.

NAMEH
MARDOM
NO: 174

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden